

# امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه بیست و چهارم  
فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی  
۹۵/۸/۱۳



## فصل دوم: «امنیت فضای مجازی»

### ۲.۱. تعریف امنیت فضای مجازی

«حفاظت و مقاوم سازی دارایی های فضای مجازی در برابر تهدیدهای فضای مجازی»

### ۲.۲. تهدیدهای امنیتی فضای مجازی

اول: تهدیدهای باب معاملات در فقه (فقه اجتماعی)

دوم: تهدیدهای باب ولایات در فقه (فقه سیاسی)

- جنگ سایبری،
- جنگ با ابزار الکترونیکی،
- جنگ رسانه ای،



مضمون حدیث «درأ» در منابع روایی دیگری نیز آمده است. برخی از آنها به اشتباه حکمی اشاره دارد مثل:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَ امْرَأَةً ثُمَّ طَلَّقَهَا قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَوَاقَعَهَا وَظَنَّ أَنَّ لَهُ عَلَيْهَا الرَّجْعَةَ فَرُفِعَ إِلَى عَلِيٍّ فَدَرَأَ عَنْهُ الْحَدَّ بِالشُّبْهَةِ وَ قَضَى عَلَيْهِ بِنَصْفِ الصَّدَاقِ بِالتَّطْلِيقَةِ وَ الصَّدَاقِ كَامِلًا لِغَشْيَانِهِ إِيَّاهَا.

این روایت در جایی است که زوج قبل از دخول طلاق داده است و چون این طلاق قسمی از طلاق بائن است که زوج در آن حق رجوع ندارد ولی مرتکب خطا گمان برده که حق رجوع دارد و لذا مرتکب خطا شده به دلیل اشتباهی که در علم به حکم مسأله بوده است بنابر این حضرت فرمودند در این مورد حد جاری نمی‌شود.

اما برخی از روایات به اشتباه موضوعی اشاره دارند مثل:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ عَلِيًّا ع قَضَى فِي رَجُلٍ أَصَابُوهُ مَعَ امْرَأَةٍ فَقَالَ هِيَ امْرَأَتِي تَزَوَّجْتُهَا فَسُئِلَتِ الْمَرْأَةُ فَسَكَتَتْ فَأَوْمَى إِلَيْهَا بَعْضُ الْقَوْمِ أَنْ قُولِي نَعَمْ وَ أَوْمَى إِلَيْهَا بَعْضُ الْقَوْمِ أَنْ قُولِي لَا فَقَالَتْ نَعَمْ فَدَرَأَ عَنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَدَّ وَ عَزَلَ عَنْهُ امْرَأَتُهُ حَتَّى يَجِيءَ بِالْبَيِّنَةِ أَنَّهَا امْرَأَتُهُ.



حضرت امام در این بحث به شمول شبهه حکمیه و موضوعیه تصریح کرده‌اند:  
مسألة ۳ يعتبر في السرقة و غيرها مما فيه حد ارتفاع الشبهة حكما و موضوعا، فلو أخذ الشريك  
المال المشترك بظن جواز ذلك بدون إذن الشريك لا قطع فيه و لو زاد ما أخذ على نصيبه بما  
يبلغ نصاب



### سرقت مال غیر محرز:

در صورتی که مال در حرز نباشد یا در حرز باشد ولی هنوز از حرز خارجش نکرده باشد حدّ جاری نیست و حکمش تعزیر است که در روایات موثقی به آن اشاره شده است، از جمله:

– أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا أَقْطَعُ فِي الدَّغَارَةِ الْمُعْلَنَةِ وَ هِيَ الْخُلْسَةُ وَ لَكِنْ أُعْزَرُهُ.

ابوبصیر از یکی از دو امام (صادق و باقر علیهما السلام) روایت کرده که شنیدم می‌فرمود که امیر المؤمنین علیه السلام گفت من در مورد دزدی علنی که همان سلب کردن و گرفتن است قطع نمی‌کنم.

الدغارة به فتح دال و تشدید الغین به معنای گرفتن و بردن چیزی است. و الخلسة به معنای ربایش است



## سرقت مال غیر محرز:

— عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ: مَنْ سَرَقَ خُلْسَةً اخْتَلَسَهَا لَمْ يُقَطَّعْ وَ لَكِنْ يُضْرَبُ ضَرْبًا شَدِيدًا. سماعه گفت که فرمود هر کس به صورت ربایش چیزی بدزد و برباید قطع (دست) نمی شود بلکه او را به شدت می زنند.

و بِهَذَا الْإِسْنَادِ (يعني عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَتَى بِرَجُلٍ اخْتَلَسَ دُرَّةً مِنْ أُذُنِ جَارِيَةٍ قَالَ هَذِهِ الدَّغَارَةُ الْمُعْلَنَةُ فَضْرَبَهُ وَ حَبَسَهُ.

سکونی از امام صادق علیه السلام نقل کرد که مردی را نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند که مرواریدی را از گوش کنیزی ربوده بود فرمود این همان ربایش علنی است پس او را زد و حبسش کرد.

از این روایات موثق استفاده می شود که اگر مال در حرز نباشد بلکه ربایش علنی باشد و شیء در معرض دید باشد حکمش تعزیر است که کم و کیف آن به نظر حاکم بستگی دارد.



دلیل این امر روایاتی است که در این باب وارد شده از جمله:

– الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ كَيْفَ التَّغْزِيرُ فَقَالَ دُونَ الْحَدِّ قَالَ قُلْتُ دُونَ ثَمَانِينَ قَالَ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ دُونَ الْأَرْبَعِينَ فَإِنَّهُ حَدُّ الْمَمْلُوكِ قَالَ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ قَالَ عَلَى قَدَرِ مَا يَرَى الْوَالِي مِنْ ذَنْبِ الرَّجُلِ وَ قُوَّةِ بَدَنِهِ.

الحسین بن محمد بن عامر از اساتید کلینی و جعفر بن محمد بن قولویه است که نامش در صدر اسناد کامل زیارات آمده است. معلى بن محمد البصرى گرچه نزد نجاشی مضطرب الحدیث و المذهب خوانده شده ولی همو کتابهایش را ستوده و قریب می‌داند. و بیش از ۱۴۰۰ حدیث از ۱۴۲۲ حدیث نقل شده از او به واسطه الحسین بن محمد بن عامر به ما رسیده است. با بررسی معلوم شد که بیش از ۱۰۰۰ حدیث به واسطه این دو تن از حسن بن علی الوشاء نقل شده که ۱۷۴ مورد آن عین همین سند و از حماد است. اینها قرائنی است که دلالت بر اخذ حدیث از کتبی است که معلى بن محمد واسطه نقل آنها بوده است.



### سرقت مال غیر محرز:

البته نجاشی او را قدح کرده است:

معلى بن محمد البصري: أبو الحسن مضطرب الحديث و المذهب و كتبه قریبة. له كتب اضطراب در مذهب اگر ثابت باشد مانع وثاقت یک راوی نیست و خود نجاشی هنگام توصیف الحسین بن احمد المغيرة بعد از این که او را متصف به اضطراب مذهب کرده سپس او را توثیق کرده است.

معلوم می شود که اضطراب در مذهب مخالف توثیق نیست. از سوی دیگر اضطراب در حدیث به معنای یعرف حدیثه و ینکر است یعنی گاهی احادیث معروف و گاهی احادیث منکری را بیان کرده است و این در مورد احادیث معروفش مانع قبول نیست. لذا ابن غضائری آورده:

يعرف حدیثه و ینکر و یروی عن الضعفاء و يجوز أن یخرج شاعدا بنابر این نقل در برخی موارد نیز می توان قولش را پذیرفت. چون ممکن است از ضعفاء نقل نکرده باشد. محقق خوئی نیز اضطراب حدیث او را مربوط به این می داند که گاهی امری معروف و گاهی امری منکر را نقل می کند و معتقد است این منافاتی با وثاقت خود راوی ندارد.

ضمن این که نام او بیش از ۶۰۰ بار در سلسله اسانید کافی آمده است و اتکاء مثل کلینی در این حد و اندازه با عدم وثاقت او سازگار نیست. بنابر تحقیق این سند قابل اعتماد است. بنابر این سند حدیث قابل اتکاست.



دلیل این امر روایاتی است که در این باب وارد شده از جمله:

روایت دوم:

- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ  
قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ التَّغْزِيرِ كَمْ هُوَ قَالَ بِضْعَةَ عَشَرَ سَوْطًا مَا بَيْنَ الْعَشْرَةِ إِلَى  
الْعَشْرِينَ.



به این حکم بسیاری از فقها از جمله شیخ طوسی تصریح کرده‌اند:

مسألة ٥ [شرطا القطع في السرقة] لا قطع الا على من سرق من حرز، فيحتاج الى الشرطين: السرقة، و الحرز. فان سرق من غير حرز فلا قطع، و لو انتهب من حرز فلا قطع عليه. و به قال أبو حنيفة، و مالك، و الشافعي. و قال داود لا اعتبار بالحرز، فمتى سرق من أي موضع كان فعليه القطع فأسقط اعتبار النصاب و الحرز. و قال أحمد إذا سرق فعليه القطع، و كذلك المنتهب، و المختلس، و الخائن في ودیعة أو عارية، و هو أن یجحد ذلك فعليه القطع. دلیلنا: إجماع الفرقة و أخبارهم، و أيضا الأصل براءة الذمة، و ما اعتبرناه مجمع على وجوب القطع به، و ما قالوه ليس علیه دلیل. و روى جابر أن النبي عليه السلام قال: ليس على المنتهب و لا على المختلس و لا على الخائن قطع. و هذا نص على أحمد.



همچنین ابن ادریس حلی (م. ۵۹۸) آورده است:

فإن سرق الإنسان من غير حرز لم يجب عليه القطع، و ان زاد على المقدار المقدم ذكره،  
بل يجب عليه التعزير.



علامه حلي (م. ٧٢٦) حدود تعزير را به خوبی توصيف کرده است:

التعزير يجب في كلّ جناية لا حدّ فيها ك... سرقة ما دون النصاب أو من غير حرز أو النهب أو الغصب ... و أشباه ذلك و تقديره بحسب ما يراه الإمام و روى الشيخ عن يونس عن إسحاق بن عمّار قال سألت أبا إبراهيم ع عن التعزير كم هو قال بضعة عشر سوطا ما بين العشرة إلى العشرين و قد وردت أحاديث في أشياء مخصوصة بأكثر من ذلك غير أنّه لا يجوز الزيادة به على الحدّ و ليس لأقله قدر معيّن لأنّ أكثره مقدّر فلو قدر أقلّه كان حدّا و هو يكون بالضرب و الحبس و التوبيخ من غير قطع و لا جرح و لا أخذ مال و التعزير واجب فيما يُشرع فيه التعزير و لا ضمان لمن مات به



والحمد لله رب العالمين